

آزمون شخصیت‌شناسی

جنگ بد است... با تو نیستم خاورمیانه‌ای



مهدی زاره‌شیرازی

فرض کنید رشوه‌هایی که دادید و تباری‌هایی که کرده‌اید جواب داده و هم‌اکنون یکی از مقامات اروپایی یا امریکایی یا یکی از مقامات سازمان‌های بین‌المللی هستید (البته گفتیم فرض کنید، یک وقت هوا برتان ندارد، بچه‌های ما هنوز دارند روی پرونده‌تان کار می‌کنند). با این فرض به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱. از نظر شما چه کسانی آدمیزادند؟

(الف) همه انسان‌های روی زمین
(ب) همه انسان‌های اروپایی و امریکایی مخصوصاً آنهایی که خیلی ناپس هستند و عمرها سر کوجه نمی‌ایستند
(ج) هر انسانی که خاورمیانه‌ای نباشد یا اگر هست، دولتش خر ما باشد؛ ترجیحاً چشم‌آبی
(د) گزینه‌های «ب» و «ج»

۲. اگر برای کسانی که از نظرتان آدمیزاد نیستند، جنگ و خونریزی پیش بیاید، کدام اقدام را انجام نمی‌دهید؟

(الف) جنگ را محکوم کرده و شروع‌کننده جنگ را مجازات می‌کنید
(ب) سکوت می‌کنید و خیلی خونسرد به زندگی‌تان ادامه می‌دهید
(ج) با تخمه و پفک جنگ را تماشا می‌کنید و از تماشای آن لذت می‌برید
(د) اگر هیجان و خونریزی جنگ کم بود، پول و اسلحه تزریق می‌کنید تا جذابیت جنگ بیشتر شود

۳. اگر برای کسانی که از نظرتان آدمیزادند، جنگ و خونریزی پیش بیاید، کدام اقدام را انجام می‌دهید؟

(الف) جنگ را محکوم کرده و شروع‌کننده جنگ را مجازات می‌کنید
(ب) سکوت می‌کنید و خیلی خونسرد به زندگی‌تان ادامه می‌دهید
(ج) با تخمه و پفک جنگ را تماشا می‌کنید و از تماشای آن لذت می‌برید
(د) اگر هیجان و خونریزی جنگ کم بود، پول و اسلحه تزریق می‌کنید تا جذابیت جنگ بیشتر شود

۴. اگر شما ارتش‌تان را از پارکینگ خارج کنید که موتورش نخوابد و بعد آن را به هر نقطه‌ای دنیا که بخواهید ببرید و تیر و فشنگ هم در کنید، اسم این اقدام چیست؟

(الف) تجاوز
(ب) حمله وحشیانه
(ج) اشغالگری
(د) گسترش آزادی و دموکراسی

دیوانه حافظ

طاهره ابراهیم‌نژاد و حافظ شیرازی

«خوش عروسی است جهان از ره صورت لیکن»

پروتز کرده و وقت بکنی معلوم است



محدثه مطهری

مذاکرات درین بست

عوضش رفت و آمد و سروصدا کم‌تره

مردم در انتظار عقب‌نشینی قیمت‌ها

ولی قیمت‌ها معتقدند بهترین دفاع، حمله است دارن هم شامل این مالیات می‌شن!

اعتیاد عامل ۷۰ درصد طلاق‌ها

اون ۳۰ درصد دیگه هم دعوا سر کنترل تلویزیون بوده

همه در انتظار برجام

من در انتظار پیامک واریز عیدی

نیاورده‌اند که...



افشار جباری

روزی مراد را تشویبی فرا گرفت. هرچه می‌کرد قرارش نمی‌گرفت و درمان نمی‌یافت. مریدان را گفت: مرا طاعت ماندن نیست، باری رهایم کنید تا خویشتن بازایم. مریدی گفت: یا مراد! چگونه؟ مراد گفت: سر به بیابان نهم. پس توشه گرفت و عزم رفتن کرد. خیل عظیم از مردم شهر برای بدرقه مراد آمدند. مراد به مرز شهر که رسید ایستاد. به مریدی گفت: بیابان از این طرف است؟ مرید گفت: یا مراد! خیر، اینجا می‌خورد به ویلاهای منطقه شمال، همه شخصی است. پس مراد به سمت دیگر شهر رفت و به مرید گفت: از این طرف است؟ مرید گفت: یا مراد! خیر، این طرف معادن سنگ و مواد معدنی است. پس مراد به سمت دیگر شهر رفت و همان را پرسید. مرید گفت: یا مراد! اینور به جنگل می‌خورد. مراد اندکی اندیشید و گفت: بیابان و جنگل هر دو ملک خداوند، همین را می‌روم. مرید گفت: یا مراد! نمی‌شود، این جنگل و جب و به وجب کارگاه چوب‌بری است، راهت نمی‌دهند. پس مراد آهی از سینه کشید و به خانه برگشت و در زد. صدایی گفت: کیستی؟ مراد گفت: مراد. صدا گفت: عه و شما میاید؟ شرمند ما فکر کردیم شما رفتید بیابون‌گردی، مریدان خون رویه ما اجاره دادن. اگه می‌شه برید به سال دیگه برگردید. ممنون. مراد سر کوجه نشست. مریدی گفت: یا مراد! کانتکسی دارم بی‌رو، رو، بد منظره اما دنج، مناسب برای اعمال غارگونه و گوشه عزلت‌گزینی، قراردادش را ببندیم؟ مراد گفت: مراد آن بود که مراد آواره شود که شد. مرا آسمان خدا سقف است که باران گرفت و مراد قرارداد را امضا کرد. تمّت.

خراج



مجتبی فیادی

پای منقل نشسته جای و نبات می‌خوردیم که دق‌الباب کردند. جبارخان خدمه‌پاشی در را گشود. قدرت‌الدوله مستوفی داخل شد. عرضه داشت جهت دریافت خراج سالانه شرف‌یاب شده. گفتیم خراج دیگر چیست که ما خود باجگیر بوده‌ایم و تا به فلک ات نکشیده‌ایم شتر را کم کن. گفت جناب فرمانفرما حکم کرده، یا خراج بزم یا حوالت حضرتان با توپ‌های مُرواری. اشارتی به توپ نره خر نمود که پیشانی مبارک را نشانه رفته بود و چند ضربه به لوله‌اش زد. آب دهان قورت دادیم. گفتیم تصدقت، هیچ راه نباشد؟! گفت خیر و همه باید خراج دهند، مگر اهل هنر که ایشان را نان در خون باشد و سفره تنگ. گفتیم ما نیز اهل هنریم که شاه شهید در طفولیت ملیچک خواندمان و شبی در ریالیتی شو ملیچک بوده‌ایم. باور نداشت. صدای گریه آبیستن و خر مجروح و کمانچه درآوردیم و فنر و کمک فنر چرخاندیم. بسیار خنده کرد. گفت حقا که اهل هنری و رفت. نفس آسوده کشیدیم و پای منقل نشستیم و جای نبات مجددی خوردیم که قبلی پریده بود. به خویشتن احسن گفتیم و خفتیم.

شوخی با تیتز روزنامه‌ها

حکایت پیر و مریدان

ظواهرات آمیزکلنل

پهپاد، کنبه آهین، مرگ چشم آبی‌ها و باقی قضایا...



زهرا فرفانی

مانده‌ام با آن سر و شکل ردیف پوشکش را پس چرا کرده کتیف؟ هست آن لکه اگرچه عین چی می‌شود با سطل آبی بیرطیریف می‌شود آری به سطل آب پاک نیست اینجا جای تبلیغات سیف دید زد آن لکه را پهپاد و گفت هفت گنبد هم نشد من را حریف یک نفر فریاد زد احسنت و بعد... عذر می‌خواهم رسیده یک نوتیف: «مرگ بر جنگی که قربانیش هست چشم آبی، بور، اهل خاکریف» کرده دنیا را جهنم شمعشان نیست کمبودی به غیر از قیر و قیف گفت در خاورمیانه کودکی: «هست مرگ ما مگر مرگ خفیف؟ با وجود شصت سال آدم کشی ای دریغ از یک تشر، یا اخ و بیف باشد؛ اما بیست سال بعد نیست جانمی جان، ماه عسل، قدس شریف»

سنگ بی سنگ



فهمه انوری

ما مثل شما، خاطره از جنگ نداریم یک عده جوانیم، که فرهنگ نداریم ما رو سیهانیم که شفاف و صریحیم مانند شماییم، ولی رنگ نداریم داریم دل آشوبه نان، با دل مردم ما فاصله‌ای قدر سه فرسنگ، نداریم ما آخرت کرسی مان، صندلمان است نُفا! عرضه بدذاتی و نیرنگ نداریم بر گوشه این سفره نشستیم و نخوردیم پاکیم و خدا ترس، نه که جنگ نداریم! دنیا که به ساز همه رقصید، ولی حیف ما در خور رقصیدنش، آهنگ نداریم صد شکر عزیزم! چه مجازاً، چه حقیقی موسیقی لهُو و لعب و جنگ نداریم! البته صیانت بشود، مصلحت ماست چون جنبه یک ماتیک پرنگ نداریم باید بشود هیمنه غرب، شکسته حالا به جهنم - گل من - سنگ نداریم

دود خوردیم



احمد رفیعی وردجانی

در این هوای پاک هر دم دود خوردیم قدر تمام اهل عالم دود خوردیم حتی اگر فرصت نشد در اول وقت هر جا مجالی شد فراهم دود خوردیم با نام ورزش صبح‌ها رقتیم تا پارک دادیم بر یک صندلی لم دود خوردیم شب‌ها برای گردش با خانواده رقتیم بیرون بعد باهم دود خوردیم در اوج گرما بستنی دودی خریدیم حتی زمستان جای شلغم دود خوردیم باران اگر بارید قدری دود را نشست ما زیر باران باز نم دود خوردیم رقتیم تعطیلات را باعماه باشیم در باغ سبز عمه اعظم دود خوردیم عمه سر سفره دوباره مثل سابق خیلی تعارف کرد، گفتیم دود خوردیم با این گرانی‌ها که خیلی جانگدازند جالب که ما مفت و مسلم دود خوردیم حتی بدون اینکه نوبی صف بمانیم بی‌نوبت و راحت، منظم دود خوردیم هیچ اختلاس و احتکاری نیست در کار اندازه هم، مثل آدم دود خوردیم کوتاهی از ما بوده مسئولان بیخشنند گاهی به هر علت اگر کم دود خوردیم

ورزشی را از روسیه بگیرد تا دیگر جلوی سیاست‌های ما نایستد، بچه پررو اروپایی یا گاوهای شیرده، سعودی و اماراتی) حمله کند، اسمش چیست؟
(الف) تجاوز
(ب) اشغالگری
(ج) تهدید صلح جهانی
(د) همه موارد و لعنت به جنگ

۶. آیا ورزش سیاسی است؟

(الف) معلوم است که نه
(ب) مگر خانه خاله است که سیاست را بریزند در ورزش‌ها
(ج) هرکسی هم که سیاست را ریخت در ورزش‌ها از همه امتیازات ورزشی محروم است؛ چه معنی دارد اصلاً؟
(د) راستی، حق برگزاری مسابقات

۸. کدام یک درناک‌تر است؟

(الف) آواره شدن مردم سوریه ناشی از حمله داعش
(ب) کشته شدن مردم یمن از گرسنگی و

قحطی ناشی از جنگ سعودی (ج) نامنی و ترس و وحشت مردم عراق و افغانستان
(د) پرتاب سنگ و کلوخ به سمت سربازان اسرائیلی... آخ... اصلاً فکرش هم حالم را بد می‌کند... آخه با سنگ و کلوخ...؟ خیلی ظلم است... چرا کسی به داد سربازان اسرائیلی نمی‌رسد...؟ می‌دانید کلوخ جایش می‌ماند...؟ اصلاً آزمون بس است، قلبم گرفت از ناراحتی...

کلید آزمون:

سؤال ۱= «د» / سؤال ۲= «الف» / سؤال ۳= «الف» / سؤال ۴= «د» / سؤال ۵= «د» / سؤال ۶= جواب درست‌تر «د» / سؤال ۷= جواب درست‌تر «الف» / سؤال ۸= «د»



نازنین اسماعیل زاده کارتون‌نویست

فیفا دلش می‌خواهد اما فعلاً نمی‌شود!

فیفا عاملین نژادپرستی را محروم می‌کند. یک منبع آگاه که دلش نمی‌خواست نامش فاش شود گفت فدراسیون جهانی فوتبال توپ‌رانتز فیفا قصد دارد بزودی عاملین نژادپرستی را با محرومیت‌های سنگین مواجه کند. این منبع آگاه افزود در چند روز اخیر و پس از آغاز جنگ روسیه با اوکراین، حجم رفتارهای نژادپرستانه در قاره اروپا به شکل غیر قابل قبولی افزایش یافته و به تازگی یک سری گزارش‌هایی به دست ما رسیده که نشان می‌دهد بعضی از مردم در حال آماده‌سازی قفس به منظور احیای مجدد یک سنت قدیمی اروپایی به نام باغ‌وحش انسانی هستند.

دوگانه پوشش خبرهای مناطق جنگزده و قهرمان‌سازی از اوکراینی‌ها در رسانه‌های غربی